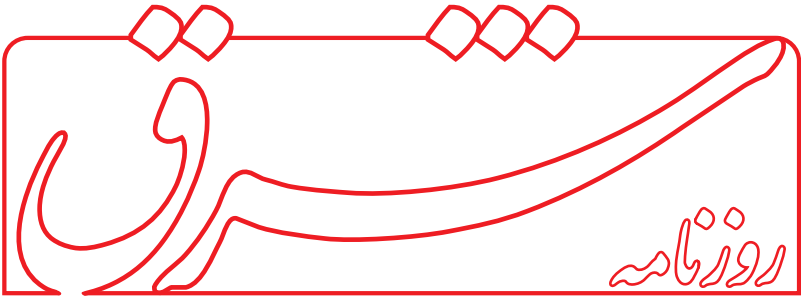




روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - ۸۸۸۰۷۱۹ - نمابر: ۸۸۸۰۷۱۹
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز - تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: چاپخانه/ جاده مخصوص کرج، نج زرين شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

تهران : آذان ظهر ۱۲:۰۷ آذان مغرب ۱۸:۰۶ آذان صبح فردا ۵:۱۳ طلوع آفتاب ۶:۳۶



یکشنبه ۸ اسفند ۱۳۸۹ - ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۲۲ - ۲۷ فوریه ۲۰۱۱ - سال پنجم - شماره پیاپی ۱۱۹۴ - شماره ۲۷۰ دوره جدید - ۲۰ صفحه

«کوچه پاییز» سینایی در موزه هنرهای معاصر

فیلم «کوچه پاییز» خسرو سینایی در بخش نمایش فیلم سومین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر، امروز هشت اسفند، نمایش داده می‌شود. خسرو سینایی «کوچه پاییز» را سال ۱۳۷۶ درباره زندگی زنده‌یاد ژاله تباتبایی هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز ساخت. ژاله تباتبایی؛ هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز ۲۰ بهمن ۱۳۸۶ درگذشت. «کوچه پاییز» دومین فیلم از برنامه‌های نمایش فیلم سومین جشنواره تجسمی فجر است که ساعت ۱۷ روز یکشنبه، هشتم اسفند در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید.



نگاه‌آزیرون

به بهانه هفتم اسفندروز استقلال کانون امر دفاع و جشن استقلال



فریده غیرت
وکیل دادگستری

یکی از اساسی‌ترین حقوق مردم در مناسبات اجتماعی که به‌عنوان نیازی ضروری مورد حمایت قانون‌گذاران و مصلحین جامعه نیز واقع شده، اصل دفاع است. ضرورت اعمال و به‌کارگیری این حق با توسعه و پیشرفت همه‌جانبه در مناسبات اجتماعی که ناگزیر بر خوردهایی را ایجاد می‌کند و موجب تضاد منافع افراد می‌شود اهمیت بیشتری پیدا کرده است. برای دفاع حیثیت جامعه و افراد در خود نظامات و قوانین ضمانت اجراهای لازم تعیین و تعیین میزان مجازات و اجرای آنها به عهده دستگاه قضایی آن جامعه محول گردیده که این امر حمایت و دفاع از جامعه در مقابل صدمات و ورده بر آن به منظور ایجاد مصونیت و ایمنی در آن می‌باشد. در کنار دفاع از جامعه، دفاع از افراد در مقام زبان‌دیده یا مجرم و خطاکار، اطلاع‌رسانی و آگاه کردن آنان نسبت به حقوقی که دارا می‌باشند و در نهایت حمایت قانونی از افراد، موضوع دفاع از آنان را مطرح می‌سازد. اعمال حق دفاع هرگز به وسیله دستگاه قضا یا قاضی میسر نمی‌باشد. وکیل دادگستری با آزادی عمل و بر خوراری از مصونیت شغلی قادر خواهد بود با رشاد و راهنمایی صحیح متهم و شخص زبان‌دیده ضمن رعایت حقوق اولیه و انسانی، او را در جهت انجام دادرسی صحیح و عادلانه کمک کند. در ایران از زمانیکه دستگاه قضا در ایران شکل گرفت و تشکیلاتی به نام عدلیه در این مملکت به وجود آمد، اشخاصی به عنوان وکیل عدلیه جهت دفاع از مردم با دستگاه قضا شروع به همکاری کردند. پس از تشکیل اولین مجمع وکلادر سال ۱۳۰۰ نهایتاً در سال ۱۳۰۹ کانون وکلایی به صورت نیمه رسمی تشکیل شد که بیشتر به انجام امور اداری و کلاشغال داشت. با تصویب قانون وکالت امور مربوطه به وکلا تحت این نظام درآمد این قانون، وکلارا وابسته دستگاه قضا می‌دانست که عملاً با اصل اساسی دفاع که آزادی و استقلال وکیل در امر دفاع است منافات داشت و وکلایاوهان تغییر آن بودند.

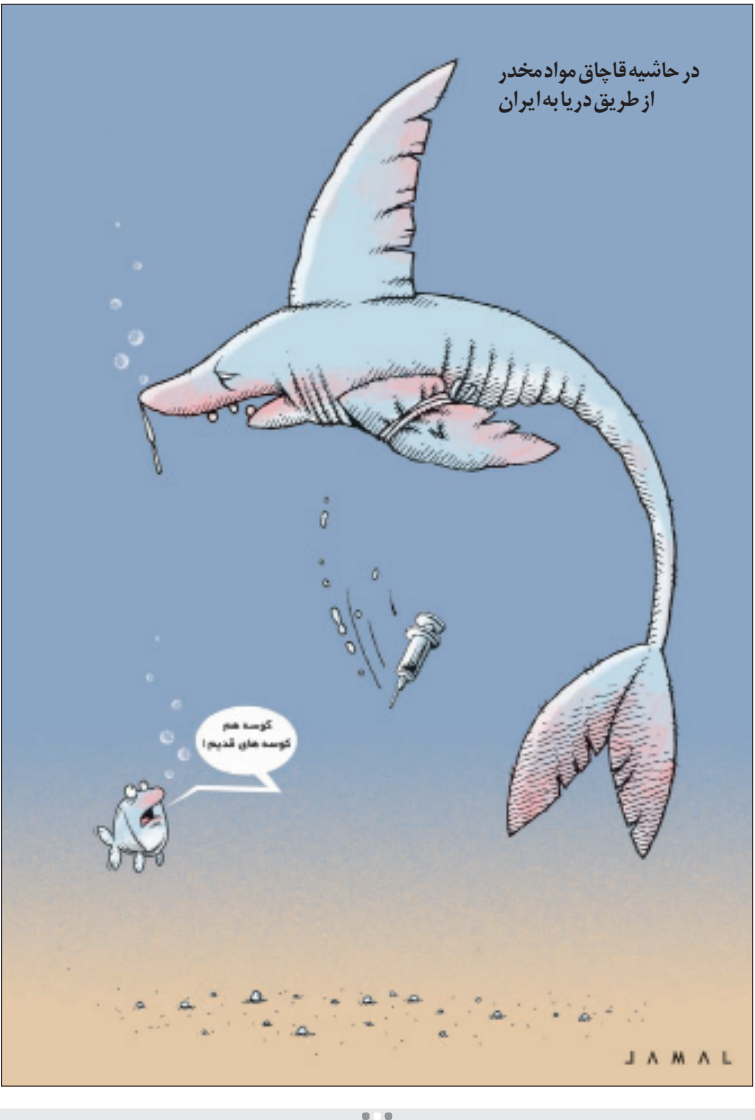
لاجرم مرحوم دکتر مصدق، نخست‌وزیر وقت که خود دانش‌آموخته حقوق بود. در سال ۱۳۳۱ پیشینه‌یاد استقلال وکلا و کانون وکلارامطرح و سپس لایحه استقلال در سال ۱۳۳۳ به تصویب قوه مقننه رسید و این اولین قدمی بود که در راه تضمین آزادی و استقلال وکلاروارج نهادن به حق دفاع برداشته شد. پس از این و بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۶ قانونی تحت عنوان قانون کیفیت‌اخذ پروانه وکالت تصویب شد که عملاً محدودیت‌هایی را برای وکلایايجاد کرد.

سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری که همه ساله در روز هفتم اسفند از طرف وکلارو با نام نهادن این روز به نام روز وکیل برگزار می‌شود یادآور تلاش‌ها و مساعی کسانی است که ارزش استقلال وکیل را می‌دانستند و برای تحقق بخشیدن به آن وارج نهادن به استقلال وکیل و امر دفاع از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. روز هفتم اسفند سالروز قدرت بخشیدن به پدیدینه دفاع و حمایت از کسانی است که در دفاع از مظلومان و نیازمندان به این حرفه روی آوردند. در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران کانون وکلا به‌عنوان ملجأ مظلومان شناخته شد و مدتی محل تحصن تعدادی از خانواده‌زندانان سیاسی بود.

چنانکه در شب ۲۲ بهمن سال ۱۳۷۵ همافران در محل کانون وکلا در کاخ دادگستری متحمن بودند. متأسفانه کانون وکلا مورد بی‌مهری واقع شد و سال‌ها بدون داشتن هیأت مدیره و انجام انتخابات تحت نظارت مسوولان دولتی و انتصابی اداره شد و از کانون وکلای دادگستری فقط نامی و تشکیلاتی جهت انجام امور اداری وکلای دادگستری باقی ماند. بدین ترتیب کانون وکلا به موجودیت نیمه‌جان خود ادامه داد تا آنکه در سال ۱۳۷۶ اولین انتخابات آزاد بعد از انقلاب برگزار شد و کانون وکلا حیاتی دوباره یافت. و در حالی که در آستانه سالروز دیگری از استقلال کانون وکلا قرار داریم عده‌ای از همکاران وکیل ما در راستای انجام وظیفه قانونی خود و در جهت دفاعی که از موکلین خود داشته‌اند در مظان اتهام واقع و در حال حاضر زندانی می‌باشند.

تردیدی نیست که اگر اتهام این همکاران مانند تخلفات عموم مردم باشد در صلاحیت ما نیست که به تحلییل آن بپردازیم چون ما تابع مقررات قانونی و خواهان اجرای قانون برای همه و به صورت یکسان هستیم. اما اگر اتهام آنها در راستای امر دفاع آنها باشد و به جهت نوع و روش دفاع خود خطای شناخته شده‌اند یا عنایت به مصونیتی که وکلا باید در حرفه خود داشته باشند چنانکه حیثیت آنها با قضات در یک حد شناخته شده است. می‌توانیم آزادی این همکاران را درخواست کنیم.

کارتون
خواب



در حاشیه قاچاق مواد مخدر
از طریق دریا به ایران

جمال رحمتی
jamalrahmati@yahoo.com



مکت

دغدغه‌های اجرای تئاتر در شهرستان‌ها

فرصت را از تماشاگران بگیریم

یدالله آقاعباسی*



هم درست کار خود را انجام ندهند، گروه منسجم و تمرکز لازم ایجاد نشود. حتی وقتی تحصیل کرده‌های تئاتر به شهرستان خود بازمی‌گردند، برای ادامه فعالیت هنری خود دچار مشکلاتی می‌شوند که ناچار شغل خود را تغییر داده و به کار دیگری مشغول می‌شوند. در بسیاری از شهرستان‌ها حتی مدرسه تئاتر و دانشکده هنر وجود ندارد. این در حالی است که ما

سال‌ها تلاش کردیم بگویم رشته تئاتر یک رشته لازم است اما حتی وقتی نیروی کار هم وجود داشت، روسای دانشکده‌های هنری هم مقابل ما ایستادند. پس از آنچه گفته شد، باید به نتیجه آن هم اشاره کرد، با نبود و ضعف تئاتر در شهرستان‌ها ما فرصت را از تماشاگران می‌گیریم و اتفاقی که می‌افتد این است که تماشاگر که تئاتر ندیده و برای دیدن تئاتر تربیت نشده، در نسل‌های بعد خود هم کسی که برای تئاتر تلاش کند و نگران باشد را تربیت نمی‌کند. همچنین به خاطر نبود تئاتر کودک، فرصت را از کودکانمان نیز می‌گیریم و این اتفاق ناآگاهانه به ضرر جامعه و فرهنگ ما است.

*مترجم و پژوهشگر حوزه تئاتر

یکی از مسایلی تئاتر در شهرستان‌ها حرفه‌ای نبودن افراد مرتبط با آن است که این حرفه‌ای نبودن به این دلیل است که افراد در شهرستان‌ها امکان حرفه‌ای کار کردن را ندارند. فرهنگ حرفه‌ای بودن در این گونه کارهای فرهنگی نه در بخش دست‌اندرکاران و نه در بخش اداری وجود ندارد. در حوزه تئاتر شهرستان‌ها یک نفر همه کار را انجام می‌دهد، چیزی به‌عنوان تخصص

حرفه‌ای و سازمان‌آجاری وجود ندارد، در حالی که این مهم در تهران شکل گرفته است. بدین معنا که یک کارگردان و نماینده‌یاد نویسنده دغدغه دیگر کارها مثل فروش بلیت و پیدا کردن محل اجرا را ندارد. آنچه پس از این باید حل شود روند شروع کار است. در شهرستان‌ها کارگردان وقتی با تمام در سرها نمایشنامه را حاضر و گروه را جمع می‌کند تازه دغدغه پیدا کردن محل تمرین و سالن اجرای مناسب را پیدا می‌کند. تمام این‌ها به علاوه فرصت کم که به این دلیل است که در شهرستان‌ها افراد نمی‌توانند تمام وقت خود را برای تئاتر بگذارند و باید از زندگی و کار خود بزنند تا بتوانند به این کار فرهنگی بپردازند سبب می‌شود بخش‌های دیگر

برداشت
آخر

سالنی برای سیف‌الله داد

مدیری که هنوز نامش به نیکی برده می‌شود



هسبر و قرن زید سیف‌الله داد

می‌شود وجه مسلمانی سیف‌الله‌داد است، من به عنوان فردی که ۲۰ سال با او رفاقت کرده‌ام و ۱۶ تا ۱۷ سال هم با او همکار بودم، می‌توانم نسبت به این موضوع شهادت بدهم. این مسلمانان اگرچه برای دوستان سینما و اصولاً فرهنگ کشور حالت الزامی دارد، اما مسلمانی سیف‌الله‌داد یک لقلقه‌زبانی یا عنصری برای کسب منافع نیست. شاید روشن‌ترین

وجهی که بتوانم از مسلمانی او بگویم این است که او بر اساس احادیث و روایات کار می‌کرد و همواره منافع جمع را نسبت به منافع خود ترجیح می‌داد. تربیون دست‌عده‌ای است که بسیاری موارد را نمی‌توان مطرح کرد، اما به هر حال دوره معاونت سیف‌الله‌داد یکی از دوره‌های ایده‌آل معاونت سینمایی بوده است. لوح تقدیری از طرف خانه سینما به هسبر و پسر سیف‌الله‌داد اعطاء شد که فرزندش در این باره بی‌تعارف سخن گفت: «هالی خانه سینما اهالی با معرفتی هستند، چرا که طی تمام مدتی که از درگذشت پدر می‌گذرد، هم برای ماندن نام او تلاش کرده‌اند و هم خانواده او را تنها نگذاشته‌اند.» سیدمحمد بهشتی، مهدی فخیم‌زاده، مرتضی شایسته، علیرضاریبیسان، منوچهر محمدی و فرشته طائرپور نیز در یک کلیپ کوتاه برای سیف‌الله‌داد صحبت کرده بودند. حسین ترابی، سیروس الوند، ابراهیم مختاری، محمدرضا مقدسیان و امیر اثباتی از دیگر حاضران در این مراسم بودند.

دیروز خانه سینما مکانی بود برای نامگذاری یک سالن کوچک و بهانه‌ای بود برای یاد کردن از نامی بزرگ در سینمای ایران. سالن کوچک خانه سینما صمیمی و ساده است و در این روزها به قول سینماگران بیشتر از گذشته دل‌ها به یاد سیف‌الله‌داد می‌افتد. به طوری که فرهاد توحیدی در این باره توصیف کرده بود: «برای نامگذاری سالن اجتماعات خانه سینما گزینه‌های مختلفی پیشروی

ما بود. اما یک گزینه دل و دین همه را برادر از این به بعد این سالن با این نام برنامه‌هایش را برگزار خواهد کرد.» جمعی از سینماگران در این مراسم حضور داشتند و مدیر عامل خانه سینما در باره اهمیت نگاه استراتژیک سیف‌الله‌داد و تأثیرش و مقایسه با وضعیت کنونی گفت: «امروز فقدان این نوع نگاه به خوبی حس می‌شود، البته این روزها با اتفاقات خوبی هم مواجهیم. اما به هر حال نبود این دیدگاه استراتژیک، ما را ناامید می‌کند. در دوره اخیر که سینمای ایران و جامعه اصناف با بحران مواجه است ما در اکثر موارد خود از او یاد می‌کنیم و شاید کمتر جلسهای برپا کنیم که از او نامی بر زبان نیایند. سیف‌الله‌داد از مدیران و فیلمسازان موفق بود وای کاش تمام مدیران و از جمله خود بنده به گونه‌ای عمل کنیم که این گونه نام‌نیک از ما بر جای بماند.» منوچهر محمدی تهیه‌کننده سینما هم در این مراسم حضور داشت و با یادآوری خاطرات از این سینماگر گفت: «یکی از بحث‌هایی که کمتر این روزها در مورد آن صحبت

اتفاق

بازیگر مختار نامه درگذشت

خدا حافظی با مرد آرام صحنه‌های تئاتر

داوود رشیدی



دوست عزیزم، بازیگر اثرگذاری در تئاتر رشت بود و بیش از ۳۰ سال است که با بازی راحت و آرام خود در صحنه و مقابل دوربین، تماشاگر را مجذوب می‌کرد. متأسفانه جاده شمال، عباس امیری، مرد آرام صحنه‌ها و پروژه‌های سینمایی و تلویزیون را از ما گرفت و جامعه هنری قطعاً گنج بزرگی را از دست داد. زنده‌یاد عباس امیری متولد سال ۱۳۲۹ بود. او بازیگری را از تئاتر شروع کرد و سال ۱۳۶۳ با

سرپال «آتش در زمستان» ساخته حسن هدایت وارد تلویزیون شد. امیری پس از بازی در چند نمایش در سرپال «کوچک جنگلی» ساخته بهروز افخمی نقش حاج‌احمد کسمایی را بازی کرد. بازی در دو فیلم «عروس» و «وز شیطان» هر دو ساخته افخمی موجب شد پیشنهادهای بسیاری به این بازیگر توانا شود. او در رشت زندگی می‌کند و او جمعه برای دیدن مادرش به این شهر رفته بود. او همانند مردمان آرام و مهربان همان سرزمین هم بسیار آرام و متین و باوقار بود. نه از خود خست‌فکنی و خودبزرگ‌بینی سر درمی‌آورد و نه به دیگری حسادت می‌کرد، اخلاقی که در این روزها همچون در نایابی است و رفته رفته با خداحافظی این دوستان از عرصه هنر، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

عباس امیری بازیگر مجموعه تلویزیونی «مختارنامه»، صبح روز جمعه در سانحه تصادف رانندگی در مسیر رشت - قومن جان خود را از دست داد. این بازیگر که از مسیر رشت به طرف قومن در حرکت بود، واژگونی خودرو و پیکان حامل او بر خورد این خودرو با یک درخت، در ۶۰ سالی از دنیا رفت. خبر ناگوار درگذشت یکی از تأثیرگذارترین بازیگرهای

تئاتر رشت، آنقدر شوکه‌کننده بود که توان صحبت در مورد خوبی‌های یکی از بهترین دوست‌هایم را از دست بدهم. اما این را خوب می‌دانم که جامعه تئاتر، سینما و تلویزیون یکی از پایه‌های بازیگر خود را برای همیشه از دست داد. دوست عزیزم، عباس امیری، در همه این سال‌ها میان رشت و تهران در سفر بود، گویا مادر امیری در رشت زندگی می‌کند و او جمعه برای دیدن مادرش به این شهر رفته بود. او همانند مردمان آرام و مهربان همان سرزمین هم بسیار آرام و متین و باوقار بود. نه از خود خست‌فکنی و خودبزرگ‌بینی سر درمی‌آورد و نه به دیگری حسادت می‌کرد، اخلاقی که در این روزها همچون در نایابی است و رفته رفته با خداحافظی این دوستان از عرصه هنر، کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

گردون

آشناپنداری

رائول براسکا/ ترجمه: اسدالله امرایی

رائول براسکا، نویسنده‌ای آرژانتینی است که آثارش برای نخستین بار با اجازه و اطلاع خودش به همین قلم به زبان فارسی ترجمه شد. داستان‌های کوتاه و بلند او در کشورهای مختلف با استقبال خوانندگان رو به رو شده است. براسکا ضمن داستان‌نویسی در عرصه‌های دیگری از جمله ترجمه نیز طبع آزمایی کرده است. با براسکا از طریق آنا ماریا شوا و لوتیسا والنسونلا آشنا شدم که در مجله گلستانه برای هر دو پرونده‌ای مفصل تدارک دیده بودم.

یک

زن و شوهر جوان رفته‌اند شهر بازی. زن می‌خواهد سوار سفینه‌ی فضایی شود، یک کشتی فضایی تیره‌رنگ که با سرعت سرسام‌آور از سراسیمبی تندی می‌گذرد. مرد دوست ندارد، می‌ترسد. دعوا می‌کنند و زن به تنهایی می‌رود. مرد سرخورده و تحقیر شده احساس می‌کند که زندگی‌اش را به گند کشیده و آرزو می‌کند که او را رها کند. زن که برمی‌گردد، با خشم نگاهش می‌کند و صدایش در نمی‌آید. با تعجب می‌گوید حس غریبی دارد که انگار همه این‌ها را پیشتر تجربه کرده است. از آن لحظه به بعد اشتیاقش به شوهر و هیجان و آدرنالین هراس با میل به جواهر و سنگ‌های قیمتی جایگزین می‌شود. زندگی‌شان رو به بهبود می‌رود.

دو

غار عمیق و آرام است و می‌گویند جایگاه مردگان است. مردم می‌خواهد بروند تو. ترسیده است. دعوا می‌کنند و مرد به تنهایی می‌رود. راه درازی را می‌رود تا به ته غار برسد و متوجه می‌شود زمان زیادی گذشته و شاید جانوران خطرناک دم در غار پرسه بزنند. برمی‌گردد زن را ببیند، اما خیلی دلش می‌خواهد او را با یکی دیگر عوض کند. وقتی بیرون می‌آید با خشم نگاهش می‌کند و صدایش در نمی‌آید. زن می‌گوید که حس غریبی دارد که انگار این لحظه را پیشتر تجربه کرده و دیگر نمی‌ترسد. با او به انتهای غار می‌رود. از آن لحظه به بعد دیگر دوست ندارد خود را با سنگ‌های قیمتی رنگارنگ بیاراید و علاقه‌مند می‌شود که شب‌ها سوار پتروداکتیل دایناسور پرندۀ شود. بعد از آن زندگی‌شان رو به بهبود می‌رود.

یاد

می‌توان قاضی شاعر بود

یدالله مفتون امینی



۲۱ خرداد ۱۳۰۵ در شهر شاهین‌دژ به دنیا آمد و پس از گذراندن دبستان و دبیرستان، دانشجوی حقوق دانشگاه تهران شد و شیفته شعر بود و ابتدا شاعری کلاسیک و کهن‌پرداز بود، اما بعدها قاضی شاعری بود که با شعرهای بی‌وزن و قالب نوپردازانه شناخته شد. مفتون امینی از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۵، ۱۲ مجموعه شعر منتشر کرده، حالا سال‌هاست خبری از او شنیده نمی‌شود. شاعری که امروز از خود اینگونه یاد می‌کند: «وقتی برای شاعر تضاد پیش می‌آید بهتر شعر می‌گوید البته به این شرط که این تضاد به او تحمیل شده باشد، به من تحمیل شده بود در دستگاه قضایی باشم و در آن زمان جای خوبی هم برای استخدام شدن بود، گرچه باعث تناقضات زیادی می‌شد. محیط کار خشک و تئوریک با احساسات شاعرانه که البته این تضاد برای شعر نو بد هم نبود، زیرا اشعر نو استدلالت و توجیه و کشف و مقایسه لازم دارد. به همین دلیل فضای استدلالی محیط کار به من کمک می‌کرد تا شعرم را با استدلال توجیه کنم و توانایی توجیه مستدل کار خود، توانایی‌ای بود که من با حضور در این شغل به‌دست آوردم. در تاریخ قاضی‌هایی بودند که عارف و درویش هم بودند، رئیس‌جمهورهایی بودند که شاعر هم بودند، در توانایی‌ها استعداد فیزیکی و زبانی هم بسیار مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد.»

تلفنی آکهی
می‌پذیریم

۸۸۶۵۸۵۷۵

فروشگاه فرشیا ایلیمیر
ATAA+

کنسرت بزرگ گروه آریان

۱۲، ۱۱ اسفند ۱۳۸۹

مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷
مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷

فروشگاه فرشیا ایلیمیر
ATAA+

کنسرت بنیامین

۱۴، ۱۳ اسفند ۱۳۸۹

مرکز همایش‌های برج میلاد

مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷
مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷

فروشگاه فرشیا ایلیمیر
ATAA+

کنسرت گروه شمس

۱۳، ۱۲ اسفند ۱۳۸۹

مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷
مرکز فروش سیمیر | دنگ
۸۸۷۲۰۳۰۳ | ۸۸۷۲۰۳۰۳
تلفن: ۲۲۷۸۰۰۷ | ۲۲۷۸۰۰۷

فروشگاه فرشیا ایلیمیر
ATAA+